



Causes and Factors Influencing the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran Inspired by the Shiite Identity in the West Asian Region

Hossein Mokhtari¹, Bashir Esmaili^{2*}, Masoud Jafarinezhad³

Received:2024/03/02
Accepted:2024/05/22

Research Article

Abstract

The revolution in Iran had tremendous effects on the Muslim countries, especially the Shiites of the west-Asian region and some countries at the level of the international system. The Islamic Revolution has become an influential phenomenon in modern Shiite geopolitics, regarding its appeal in its slogans, goals, principles, ways and methods, content and results of movements, historical and religious commonalities, and regional and international conditions. Now, the main question is, “Which issues affect the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the West Asian region?” “Among the influential factors in the foreign policy of the Islamic Republic, we can mention the principle of invitation, Tuli and Tabari, “the creation of hearts” (that is, the support of Muslims and the oppressed), adherence to contracts and agreements and international customs, the principles contained in the constitution, which Iran's approach towards other countries and international organizations are determined and bilateral and multilateral relations are formed within the framework of these rules. The foreign policy of the Islamic Republic, relying on the Shia Islamic identity, is a way to spread the life-giving teachings of Islam and send the message of spirituality, freedom, and independence to the world. In this research, using the descriptive analytical method, the causes and factors affecting the foreign policy of the Islamic Republic of Iran will be analyzed based on the theory of constructivism inspired by the Shiite identity in the West Asian region.

Keywords: Foreign policy, Shiite identity, West Asia

Mokhtari, H., Esmaili, B., & Jafarinezhad, M. (2024). Causes and Factors Influencing the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran Inspired by the Shiite Identity in the West Asian Region. *Journal of Political and International Research*, 15(57), pp.79-94.

¹ Ph.D. Candidate, Department of International Relations, Islamic Azad University, Shahreza Branch, Shahreza, Iran. Basirat.h313@gmail.com

² Department of International Relations, Islamic Azad University, Shahreza Branch, Shahreza, Iran. (Corresponding Author). Bashiresmaeli@yahoo.com

³ Department of Political Sciences, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Shahreza, Iran pegah420ma@yahoo.com



علل و عوامل تأثیر گذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با الهام از هویت شیعی در منطقه غرب آسیا

حسین مختاری^۱، بشیر اسماعیلی^{۲*}، مسعود جعفری نژاد^۳

تاریخ خریدم ۰۰۰۲/۲۲/ii	مهمم پیو ههه
تاریخ پیش‌ش ۰۰۰۳/۰۳/۰۲	

چکیده

انقلاب شکل گرفته در ایران اثرات شگرفی بر کشورهای مسلمان، به‌خصوص شیعیان منطقه غرب آسیا و برخی کشورها در سطح نظام بین‌الملل داشته است. انقلاب اسلامی به علت جذابیتی که در شعارها، اهداف و اصول، راه و روش‌ها، محتوا و نتایج حرکت‌ها، سابقه اشتراکات دینی و تاریخی و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی داشت، پدیده‌ای اثرگذار بر ژئوپلیتیک نوین شیعه بوده است. حال سؤال اصلی این است که چه عواملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا تأثیرگذار است؟ از عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌توان به اصل دعوت، توکی و تبری، تألیف قلوب یا همان پشتیبانی از مسلمانان و مستضعفان، پایبندی به پیمان‌نامه‌ها و عهدنامه‌ها و عرف بین‌الملل و اصول مندرج در قانون اساسی اشاره کرد که رویکرد ایران را در قبال سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تعیین و مناسبات دوجانبه و چندجانبه در چارچوب این قواعد شکل می‌گیرد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی بانکیه بر هویت شیعی، راه و روشی برای اشاعه تعالیم حیات‌بخش اسلام و صدور پیام معنویت و آزادی و استقلال به جهانیان می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی علل و عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با الهام از هویت شیعی در منطقه غرب آسیا بر اساس تئوری سازه‌نگاری تحلیل خواهد شد.

کلیدواژه: هویت شیعی، سیاست خارجی، غرب آسیا

مختاری؛ حسین، اسماعیلی؛ بشیر، جعفری نژاد؛ مسعود (۱۴۰۲). علل و عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با الهام از هویت شیعی در منطقه غرب آسیا. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۷، صفحات ۹۴-۷۹.

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاداسلامی، شهرضا، ایران. Basirat.h313@gmail.com

^۲ گروه روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاداسلامی، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول) Bashiresmaeili@yahoo.com

^۳ گروه علوم سیاسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران pegah420ma@yahoo.com

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی منجر به آفرینش هویت جدیدی برای کشور ایران در پهنه داخلی و بین‌المللی گردیده است، هویتی که اصلی‌ترین ساختار ذهنی آن هنجارهای سرچشمه گرفته از فرهنگ و تمدن ایرانی‌اسلامی و برگرفته از مذهب ناب تشیع بود. این هویت علاوه بر آرمان حفاظت از استقلال، آزادی و منافع ملی ایران، دربردارنده مسئولیت‌ها و تکالیف فراملی برای جمهوری اسلامی بوده و یک نظام ارزشی را پدید آورده است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که ریشه در ایده‌ها، ارزش‌ها و هویت اسلامی دارد، علی‌رغم تغییر در دولت‌ها، این بن‌مایه هویتی همچنان پابرجا بوده و دگرگونی اساسی در آن ایجاد نگردیده است.

شاید بتوان به‌عنوان نمونه این‌طور بیان نمود که پیدایش دومین دولت شیعی در کشور عراق پس از استقرار آمریکا در منطقه غرب آسیا از مهم‌ترین نقاط پرفرازونشیب تاریخ این منطقه بعد از انقلاب اسلامی محسوب می‌شود به این دلیل که با تبلور مجدد تفکر مذهب تشیع و بازنمایی هویت شیعیان در منطقه و اثربخشی بر تفکر سیاسی، انگارگان و نیز ژئوپلیتیک در ساختار قدرت و امنیت در منطقه غرب آسیا، تحولات جدیدی در کردارهای سیاسی و محیط جغرافیایی منطقه غرب آسیا به وجود آمده است. این موضوع با عنوان طرح‌ریزی هلال شیعی و شکل‌گیری ژئوپلیتیک جدید تشیع در منطقه غرب آسیا از جانب بسیاری از کشورهای منطقه و فرامنطقه مورد تصریح قرار گرفت و همچنین در برخی از کشورها با واکنش‌های مواجه گردید. برخی از بزرگان کشورهای عرب منطقه با افزایش قدرت شیعیان و به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران مواجه گردیده و به همین علت به جهت مقابله با این اندیشه، به تقویت فرقه‌گرایی در منطقه دامن زدند.

۱- چارچوب نظری

ظهور سازه‌انگاری اجتماعی در صحنه سیاست بین‌الملل در حقیقت تلاشی بود برای پر کردن شکاف به وجود آمده میان خردگرایی و رویکردهای انتقادی. سازه‌انگاری، نگاهی نو به نقش عقلانیت در وضعیت‌ها و پدیده‌های دسته‌جمعی انسان‌هاست و همان‌گونه که بر ساختارهای مادی و اجتماعی تأکید دارد، ساختارهای هنجاری و معنوی را نیز حائز اهمیت می‌داند.

۲- روش تحلیل سیاست بین‌الملل با رویکرد سازه‌انگاری

بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، سازه‌انگاری را در کنار دیدگاه نظری مکتب انگلیسی یا جامعه بین‌الملل، می‌دانند؛ بنابراین، این دیدگاه از نظر محتوا در میان دو جریان اصلی یعنی واقع‌گرایی از یک طرف و آرمان‌گرایی از طرفی دیگر قرار دارد. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۲۳) هویت مفهومی کلیدی در نظریه سازه‌انگاری است، به‌ویژه اینکه می‌توان ساختارها و عمل سیاسی یک کشور را از طریق مراجعه به هویت آن مورد بررسی و تبیین قرارداد. هویت‌ها با برداشت خاصی که از «خود» در برابر «دیگری» یا «دیگران» دارند منافع خاصی برای خود تعریف نموده و این منافع شکل‌دهنده سیاست‌های بازیگران خواهد شد. این برداشت از «خود» و «دیگری» منجر به شناخت یکدیگر به‌عنوان دشمن، رقیب یا دوست خواهد شد؛ بنابراین در خصوص قدرت و توزیع آن درک و برداشت طرفین از همدیگر مهم است و دولت‌ها منافع خود را در سلسله‌مراتب تعریف وضعیت خود و دیگری پیدا می‌نمایند. (سمیعی و فتحی، ۱۳۹۲: ۶۴)

۳- روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش تحقیق توصیفی می‌باشد. اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند شناخت بیشتر شرایط موجود و یا یاری رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد. در نوشتار حاضر تلاش شده با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی علل و عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با الهام از هویت شیعی در منطقه غرب آسیا، توصیف و مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- مبانی فکری و مصادیق هویت شیعی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران با الگوگیری از فرهنگ غنی اسلام ناب محمدی (صل الله علیه و آله و سلم) و مذهب تشیع و باتوجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که در ایجاد قدرت نرم دارا می‌باشد، توانایی آن را دارد که مانند یک عامل اثباتی و ایجابی، دیگران را نیز جذب و همراه خودساخته و در نقطه مقابل، در جایگاه یک عامل سلبی، از نفوذ و رهیافت هرگونه فرهنگ بیگانه و یا سلطه آن‌ها جلوگیری نماید. مبانی فکری حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، بر پایه‌هایی از جمله اخلاق، عقلانیت، ولایت‌پذیری، خدامحوری، فرهنگ غنی، دعوت و... استوار می‌باشد که تشکیل‌دهنده ساختار قدرت در نظام مقدس جمهوری اسلامی هستند.

۴-۲- نقش اخلاق، فرهنگ و دین

انقلاب اسلامی که در چارچوب یک حرکت مردمی و باتکیه بر ارزش‌های فرهنگی بر پایه اسلام و تشیع پیروز گردید، نقطه عطفی را در جهت‌دهی حرکت و بیداری اسلامی، با الگوسازی موفق نمایان ساخته است (سیمبر، ۱۳۷۸: ۲۶۲). متبلور شدن انقلاب دینی در کشور ایران توانست مطابق با ارزش‌های دینی و مذهبی، استقلال‌خواهی، استکبارستیزی، استحکام فرهنگ اصلاح‌طلبی، فعالیت فکری، فرهنگ و اندیشه، افزایش ارتباطات متقابل فرهنگی، حرکت اسلام در عرصه زندگی اجتماعی، فرهنگ‌سازی در راستای ایجاد اتحاد در بین کشورهای اسلامی، تقویت بست و گسترش نهضت‌های آزادی‌بخش و همچنین گفتمان‌سازی سیاسی و فرهنگی تأثیرگذار باشد (دهشیری، ۱۳۸۲: ۹۰). این فرهنگ، توانست با ایجاد مرز فی‌مابین مستکبران و مستضعفان و آگاهی بخشیدن به مستضعفان در منطقه، زمینه مناسب جهت حرکت‌های مستقل و آزادی‌خواهانه، مطابق تفکر و خواسته مردم محروم فراهم نماید.

۴-۳- فرهنگ مقاومت و شهادت

دو بن‌مایه مقاومت و شهادت، تنها در تفکرات حاکم بر مسلمانان یافت می‌گردد. هرچه اندیشه جهاد و شهادت در جوامع اسلامی به فراموشی سپرده شود، سبب ذلت مسلمانان شده و به همان اندازه دارا بودن روحیه جهاد و شهادت، به وجود آورنده قدرت نرم و بالندگی و بازدارندگی در مقابل دشمنان و نیز منجر به سربلندی مسلمانان خواهد شد. (محمدی، ۱۳۷۹: ۹-۱۰) بنابراین، آرزوی شهادت و اندیشه شهادت‌طلبی نیز در بین مردم کشور ایران به‌منزله به وجود آورنده و تولیدکننده قدرت نرم در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که الهام گرفته از اندیشه و تفکر ناب مذهب تشیع و حادثه عاشورا بوده و بین جوانان آن‌چنان روحیه‌ای به وجود آورده که خود عاملی مهم برای پیروزی در دوران دفاع مقدس بیان گردیده است.

۴-۴- خدامحوری

تکیه بر قدرت لایزال خداوند متعال که خود نشانگر پذیرش ولایت، اراده و قدرت خداوند است، یکی دیگر از اصول اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. می‌توان بیان نمود که جمهوری اسلامی ایران در خصوص اصل خدامحوری به آیه مبارکه: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (بقره: ۱۶۵) (به‌درستی که تمامی قدرت‌ها مخصوص خداوند است) و «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (شورا: ۹) «آیا به‌راستی غیر از خدا اولیایی گرفته‌اند؟ درحالی‌که ولی مردم، تنها خداست» الهام گرفته است. گسترش قدرت و اقتدار در دین مبین اسلام، از بالا به پایین است؛ یعنی اقتدار اصلی از آن خداوند متعال می‌باشد (زرشناس، ۱۳۷۸: ۲۳) مردم بزرگ ایران همچنین تکیه بر قدرت بی‌انتهای خداوند متعال را از اساسی‌ترین نمادهای ملی و مذهبی خود می‌دانند. به این علت در فرهنگ ریشه‌دار مردم ایران، خدامحوری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۳۱۵)

۴-۵- رعایت اخلاق

یکی دیگر از بنیان‌های فکری و مصادیق حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، مسئله حرمت اخلاق می‌باشد که در دین مبین اسلام ناب محمدی (ص) اهمیت ویژه‌ای دارد. اصول اخلاقی در دین مبین اسلام، تابع اصول اساسی خاصی مانند راستی، مروّت، بزرگ‌منشی و مهرورزی و... می‌باشد؛ بنابراین به‌کارگیری اخلاق یکی از اهداف مهم در بین مسلمانان و کارگزاران حکومت می‌باشد. (عالم، ۱۳۸۱: ۷۴) نظام مقدس جمهوری اسلامی، باتوجه به ماهیت اسلامی و تفکر شیعی حاکم بر آن، سنت و منش اهل بیت عصمت و طهارت (علیه‌السلام) را سرلوحه سیاست خارجی و اصول و مبانی تعریف‌شده در قانون اساسی قرار داده و نیز رعایت اخلاق اسلامی را به‌عنوان امر جدایی‌ناپذیر در برنامه‌ریزی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود بیان می‌نماید.

۴-۶- اجرای عدل و عدالت

سرشت قانون اساسی در ایران بر پایه و اساس انصاف و برابری ترسیم گردیده است. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظایف و تکالیف حکومت اسلامی، اجرای عدالت در سطح داخلی و بین‌المللی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پرچم‌دار و پیشرو این اندیشه و تفکر، اجرای عدالت در سطح نظام بین‌الملل را یکی از بنیادهای اساسی سیاست خارجی خود معرفی و اهداف والایی را فراتر از مرزهای جمهوری اسلامی ایران کنکاش می‌نماید (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۲۲۲-۲۴۴) بنابراین، نظام مقدس جمهوری اسلامی، برای عدالت اهمیت فراوانی قائل می‌باشد و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی و سیاست‌های خارجی ترسیم‌شده، بر پایه اصول ناب تشیع و بر عدل و برابری استوار بوده و در اصلی‌ترین تئوری‌ها و قوانین بر آن نیز تأکید شده است.

۵- اهداف و ارزش‌های حکومت در سیاست خارجی ایران

۵-۱- ارزش‌های سیاسی

طرح دین و نقشه حکمرانی بر پایه و اساس آموزه‌های دین مبین اسلام و مذهب تشیع به‌وسیله نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، پنجره امید را در بین مسلمانان به وجود آورده و امروزه در بسیاری از کشورهای مسلمان منطقه غرب آسیا، یکی از گزینه‌های مطرح در نظام سیاسی شکل‌گرفته بعد از این قبیل تحول‌ها، الگوی حکمرانی بر پایه آموزه‌ها و اصول اسلامی می‌باشد. باتوجه به جنبش‌ها، حرکت‌ها و انقلاب‌هایی که در منطقه غرب آسیا به وقوع پیوسته است، کشورهای غربی نیز به این امر اعتراف می‌نمایند که مقصد این انقلاب‌ها اصول برگرفته از دین مبین اسلام و مذهب تشیع و با الهام از انقلاب شکل‌گرفته در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. پس می‌توان این‌گونه بیان نمود که جمهوری اسلامی ایران در تحولات منطقه‌ای شکل‌گرفته در غرب آسیا نقش ویژه‌ای ایفا نموده است.

وحشت و ترس از گسترش اسلام‌گرایی که ریشه در انقلاب اسلامی ایران دارد، نه تنها در بین کشورهای مسلمان منطقه، بلکه در کشورهای اروپایی نیز ترس و نگرانی‌هایی را به وجود آورده است. این موضوع نشان‌دهنده قدرت پنهان و بالقوه‌ای می‌باشد که می‌تواند مردم کشورهای دیگر را نیز تحت‌تأثیر خود قرار دهد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۰: ج ۱۶، ص ۱۹۴) نظام جمهوری اسلامی ایران و سیاست خارجی برگرفته از مذهب تشیع کوشش نموده است با به‌کارگرفتن و رعایت اصول و ارزش‌های سیاسی، موقعیت و اقتدار خود را در سطوح مختلف نظام بین‌الملل ارتقا دهد.

۵-۲- ولایت مطلقه فقیه

از آغاز غیبت امام‌زمان (عج)، به‌جز در دوران کوتاه، شیعیان همواره تحت تسلط حکومت‌های فاسد و ستمکار قرار داشته و مسئله امامت از نگرانی‌ها و دغدغه‌های اساسی شیعیان در امر سیاست به شمار می‌رفت. این مسئله موجب گردید تا هر زمان که فرصت پیدا می‌کردند، حاکمیت و رهبری سیاسی مردم را در چهارچوب نظریه «ولایت‌فقیه» یعنی شکل تنزل یافته امامت،

مطرح و در صورت امکان آن را اجرایی نمایند؛ ولی پیروزی انقلاب در کشور ایران این شرایط را به وجود آورد که این نظریه به‌عنوان یک سمبل و نماد حکومتی مطرح و اجرایی گردد. (گردشی، ۱۳۸۱، ۵۷ - ۶۴).

۵-۳- مطلوب‌های حاکم بر سیاست خارجی ایران

حقیقت انقلاب در ایران بر مبنای آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) و با الهام از هویت شیعی شکل‌گرفته و این مطلب بیان‌کننده مقبولیت جهانی این سیاست‌گذاری در بعد خارجی می‌باشد. تکیه بر اصولی مانند رد سلطه‌جویی و رد قبول سلطه، دفاع از حقوق ستمدیدگان، پایبندی به معاهدات و تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی و ایجاد یک رابطه دوستانه و مسالمت‌آمیز بر اساس تعامل و همکاری با دیگر کشورها، از اصول ثبت‌شده در قانون اساسی بوده که سیاست خارجی ایران را جهت‌دهی می‌نماید (قانون اساسی اصل ۱۱، ۱۵۱، ۱۵۲ و ۱۵۳). در آغاز نهضت انقلاب در ایران، ایجاد وحدت فی‌مابین ملت‌های جهان همانند «سیاست ایجابی» جزء یکی از اصول و شعارهای اساسی ملت بزرگ ایران بوده است. همچنین اصل نفی سبیل یا همان مخالفت با تسلط کفار بر مسلمانان در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی و عدم تعهد در مقابل کشورهای زورگو و مستکبر، برآیند کلی تعیین خط و مشی سیاست‌گذاری در امور خارجی را که با الهام از تفکر شیعی می‌باشد را تعیین نموده که یکی از نمونه‌های آن را می‌توان در مبارزه جمهوری اسلامی ایران با هژمونی غرب بیان کرد؛ به این معنا که سیاست خارجی مبتنی بر احکام و مبانی اسلام و با الهام از هویت شیعی، بستر و ظرفیت فکری مطلوبی را به‌منظور مبارزه با برتری خواهی غرب به وجود آورده است. یکی دیگر از این جلوه‌های سیاست خارجی مبتنی بر اصول و احکام اسلامی و مذهب تشیع را می‌توان در نمایان‌شدن مبارزه با سلطه‌گران، زورگویان و مستکبرین عالم مشاهده نمود. امروزه ملت‌ها فراتر از دولتمردان خود با الگوگیری از انقلاب شکل‌گرفته در جمهوری اسلامی ایران، پرچم مبارزه با استکبار را برافراشته‌اند. به‌جرئت می‌توان بیان نمود که امروزه به‌باور عموم، مبارزه با استکبار که در رأس این هرم سردمداران آمریکا و اسرائیل قرار دارند، بر اندیشه آزادی‌خواهان در سطح دنیا، شامل مسلمان و غیرمسلمان، سیطره یافته و در جنبش‌های آزادی‌بخش روح تازه‌ای دمیده است. (پوراحمدی، ۱۳۸۹، ۹۳).

اصول و مضامین تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ سازوکارهایی مانند معنویت، نثار جان در راه خدا و ارزش‌های والای انسانی، اخلاق، علم‌گرایی و اطلاعات از ولایت‌فقیه می‌باشد که در تمامی این اصول بیان‌شده اسلام ناب محمدی (صل الله علیه و آله و سلم) و مذهب ناب تشیع مانند یک اصل و چراغ‌راهنما قرار دارد. در کنار این اصول و عقاید، موقعیت و جایگاه استراتژیک و ژئوپلیتیک و نیز پیشینه و سبب تمدنی و اهمیت ویژه به تولید علم و وجود منابع غنی اولیه، از کشور ایران بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، کشوری قدرتمند و مؤثر در تحولات منطقه غرب آسیا و جهان ساخته است. این موضوع سبب گردید که امروزه کشور ایران در جایگاه یک سرمشق و الگو برای کشورها و جنبش‌های آزادی‌خواه دنیا به‌ویژه کشورهای مسلمان تبدیل گردد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، جلد دوم، انتشارات سمت، ۱۳۷۷، ص ۱).

۶- عوامل تأثیرگذار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با الهام از هویت اسلامی شیعی

در خصوص اصل دعوت، رهبر کبیر انقلاب، در آغاز ملت‌ها را مورد خطاب قرار دادند تا از راه صدور پیام معنویت، عدالت‌جویی و آزادی‌خواهی به مسلمانان و مستضعفان عالم، حکومت‌های اسلامی نیز در مسیر شایسته و صحیح قرار گرفته و در این باره بر دعوت عملی، علاوه بر دعوت گفتاری و مکاتبه‌ای اصرار و پافشاری فزاینده داشتند. اساس تکی و تبری از قوانین و مقررات عمده تنظیم روابط و مناسبات دولت اسلامی با سایر کشورها بر اساس مرزبندی‌های عقیدتی و نحوه رفتار طرف مقابل می‌باشد. در مرتبه بعد، اساس و ریشه تألیف قلوب همان پشتیبانی از مسلمانان و مستضعفان می‌باشد. درنهایت، پایبندی به پیمان‌نامه‌ها، عهدنامه‌ها و عرف بین‌المللی که با توجه به‌قاعده الزام و اجبار و در صورت تحقق شرایط حفظ نظام اسلامی و عدم وجود ضرر و زیان و همخوانی محیط عینی - عملیاتی با محیط ادراکی دولت - ملت‌ها امری ضروری جهت برقراری صلح و عدالت در

عرصه بین‌المللی تعبیر و تفسیر می‌شود. باتوجه به این قواعد فقهی می‌باشد که رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال سایر کشورها و نیز در رابطه با سازمان‌های بین‌المللی تعیین می‌گردد و مناسبات دوجانبه و چندجانبه ایران در چارچوبی مشخص شکل می‌گیرد. درنهایت، بر اساس موارد فوق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باتکیه بر هویت اسلامی - شیعی، راه و روشی برای اشاعه تعالیم حیات‌بخش اسلام و صدور پیام معنویت و آزادی و استقلال به جهانیان می‌باشد. در چتر حمایتی انقلاب اسلامی، شیعیان در کشورهای مختلف خصوصاً در منطقه غرب آسیا از انزوای سیاسی - اجتماعی خارج گردیده و در مسیر قدرت‌یابی و نوسازی هویت خود گام برداشته‌اند. از آنجاکه انقلاب اسلامی و سیاست خارجی ترسیم‌شده برگرفته از اصول و آرمان‌های مذهب ناب تشیع می‌باشد، شیعیان دیگر کشورها بخصوص شیعیان کشورهای مجاور ایران متأثر از اهداف و آرمان‌های آن گردیده‌اند. این تأثیرگذاری در آغاز به صورت خودآگاهی مذهبی و پس از آن تمایل جهت احقاق حقوق و سهم‌شدن در قدرت را به دنبال داشته است (رهبر و دیگران، ۱۳۹۵: شماره ۳۶، ص ۲۱).

به‌عنوان مثال: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به علت فراگیر بودن اندیشه‌های چپ شامل سوسیالیستی و مارکسیستی که اکثراً با پوشش ناسیونالیسم عرب در صحنه ظاهر می‌شدند، اساساً جایگاهی برای جریان‌های دینی، شیعه و سنی، وجود نداشت و شیعیان بیش از هر جریان دیگری قربانی سیاست‌های حاکم بودند. در کشور عراق توسل به شیعه بودن به معنای مزدوری جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌گردید. در کشور لبنان مقامات رسمی توسط مارونی‌ها انتخاب می‌شدند که در آن زمان تعهدی اساسی به اسرائیل، آمریکا و فرانسه داشته‌اند؛ اما جنبش مردمی شیعه در لبنان به رهبری امام موسی صدر مرحله رشد و نمو اولیه خود را طی می‌نمود هرچند که تا رسیدن به مرحله‌ای که بتواند آرمان‌ها و آرزوهای خود را محقق سازد بسیار فاصله داشت. در این شرایط، انقلاب اسلامی پیروز شد تا به همه شیعیان جان تازه‌ای بخشیده و آنان را امیدوارانه وارد عرصه سیاست نماید تا رفته‌رفته به جایگاه حقیقی‌شان نزدیک شوند. (محمدی، ۱۳۸۵: کد خبر ۱۵۳۲۱)

۶-۱- مبانی فکری و مصادیق هویت ایرانی، انقلابی و شیعی

در چند سال اخیر مقولات مربوط به هویت، به‌ویژه «هویت ملی» توجه اندیشمندان و متفکران رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. در ذیل به چند علت اولیه درباره هویت می‌پردازیم:

اول هویت مسئله‌ای چندلایه بوده که از سطح فردی آغاز و به مراحل گروهی، ملی و فراملی گسترش پیدا نمود.

دوم اصولاً هویت موضوعی ثابت و بدون تغییر نمی‌باشد؛ بلکه همواره سازوکارهای اصلی هویت دچار تغییر و تحول گردیده و به همین علت، این‌گونه به نظر می‌رسد که موضوع هویت برای هر نسل به صورت خاص و ویژه مطرح می‌گردد و درنهایت، هویت‌ها در ابعاد و لایه‌های مختلف فردی، جمعی و یا ملی ممکن است منجر به تعارض گردند. (کمالی اردکانی، ۱۳۸۲: شماره ۲۸، ص ۲۲۸)

در حال حاضر پژوهش‌ها و تحقیق‌های مختلف جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و نیز دیگر پژوهشگران رشته‌های علوم اجتماعی نشان می‌دهد که در بین ایرانیان موضوع هویت، باتوجه به ضروریات داخلی در ایران و صحنه نظام بین‌الملل، همچنان موضوعیت دارد (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۳) مروری بر نوشته‌های موجود در خصوص هویت و هویت ملی در ایران نشان می‌دهد که تقریباً همه نویسندگان و اندیشمندان این متون گواهی می‌دهند که مؤلفه‌های هویت ملی در جامعه ایران در عصر حاضر تحت تأثیر سه حوزه «ایران»، «اسلام» و «غرب» می‌باشند (اردکانی، ۱۳۷۹: ۵۵)، (شایگان، ۱۳۷۰: ۱۶۶)، (جهانبگلو، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

۷- مفهوم هویت ملی

هویت ملی از هویت‌های بومی و سنتی، قومی، قبیله‌ای و حتی دین و مذهب فراتر رفته است. هویت ملی، همان هویت شهروندی است. رابطه شهروندان در یک کشور با دولت و حاکمان، نه بر اساس پیوند و تعلقات نژادی، مذهبی، خاندانی و

زبانی، بلکه بر اساس حقوق متقابل برقرار می‌گردد؛ حقوقی که به وسیله قانون و با نقش شهروندان ساماندهی می‌شود. هویت ملی، حلقه اتصال تمام گروه‌های مختلف قومی و فرهنگی در یک کشور با اقوام مختلف می‌باشد.

۷-۱- انواع مؤلفه‌های هویت ملی

برای شناخت ملیت و هویت ملی در هر کشور، در آغاز باید عناصر تشکیل‌دهنده آن را معرفی نمود و پس از آن با جمع‌آوری این شاخصه‌ها در هر جامعه، پدیده‌ای به نام «ملیت» یا «هویت» ملی شکل خواهد گرفت. در این قسمت می‌توان به صورت کلی این عناصر را این‌گونه نام برد:

۱. سرزمین و قلمرو
۲. دین و مذهب
۳. زبان
۴. حکومت و دولت
۵. نژاد و قومیت
۶. سنت‌ها و آیین‌ها
۷. میراث فکری
۸. اسطوره‌ها و قهرمانان و...

تأثیر این عناصر در قالب هویت ملی، بسته به تاریخ و سرزمین و فرهنگ هر قوم گوناگون می‌باشد. گاهی عنصری مانند نژاد و قومیت آن‌قدر اهمیت پیدا می‌نماید که مابقی عناصر را تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد؛ مانند نژاد و قومیت عرب در کشور عربستان پیش از اسلام، یا عنصر فرهنگ عامه و آداب و رسوم در کشور ژاپن. سیاست خارجی در جمهوری اسلامی نیز که ریشه در ارزش‌ها، آرمان‌ها و اصول حاکم بر انقلاب اسلامی دارد، جدا از این قاعده نبوده و این عناصر هویتی همچنان گسترش یافته و تغییری در اصل و اساس شالوده آن ایجاد نگردیده است. (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۷۷، شماره ۲۶)

۷-۲- مهم‌ترین عناصر هویت انقلابی در ایران

مهم‌ترین عنصر در هویت انقلابی مردم ایران جدا از عقیده، هویت استکبارستیزی و میل به تحول‌سازی جهان است. امام خمینی (ره) ضمن تأکید بر «ماهیت ضد استعماری» نهضت شکل گرفته در ایران، هدف انقلاب اسلامی را خارج شدن از مسیر وابستگی به کشورهای امپریالیستی یعنی کشورهایی که خواهان بسط نفوذ و قدرت خود بر کشورهای دیگر هستند و نهایتاً «شکست ابرقدرت‌ها» می‌داند. (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۷۷، شماره ۲۶) علاوه بر موارد مورداشاره، هدف‌های دیگری مانند آزادی، استقلال، رشد معنوی، ایجاد یک جامعه امن، تعالی مادی و... نیز جزء اهداف و اصول انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌آیند. از دیدگاه و تفکر امام خامنه‌ای (حفظه الله): دین اسلام، نظام‌های بر پایه قلدری و زور و به وجود آورنده ظلم، نادانی، خودکامگی، خفقان، خوارکننده بشریت و تبعیض نژادها، خون‌ها، ملت‌ها و زبان‌ها را رد می‌نماید و با هر نظام و شخصی که به جنگ و جدال با نظام اسلامی کمر بسته باشد، با شدت و مقاومت پیکار نموده و با همه انسان‌ها چه هم‌آیین و هم‌مسلك باشند یا نباشند به محبت و مساعدت امر می‌نماید. (مجله حصون، ۱۳۸۵: شماره ۷)

۷-۳- آرمان‌های سیاسی برگرفته از هویت ایرانی - انقلابی جمهوری اسلامی ایران

آرمان‌های ملت ایران بر مدار دین، معنویت، اسلام‌خواهی، آزادی، مردم‌سالاری و رهایی از سیطره استعمارگران با کسب استقلال در همه ابعاد بوده است. برخی از آرمان‌های سیاسی برگرفته از هویت ایرانی - انقلابی تحقق‌یافته ملت بزرگ ایران در دوران جمهوری اسلامی شامل:

۱. براندازی دستگاه سلطنتی، ایجاد حکومتی دینی و مستقل، رد هرگونه ستمگری، زورگویی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، از بین بردن هرگونه استبداد، دیکتاتوری و انحصارطلبی، نفی کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب
 ۲. تنظیم سیاست خارجی در ایران بر اساس اصول و اندیشه‌های اصیل اسلام ناب محمدی (ص) و با الهام از هویت شیعی و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌قید و شرط از مستضعفان عالم
 ۳. حمایت و پشتیبانی از مبارزه‌ی حق‌طلبانه ستم‌دیدگان در برابر زورگویان و استثمارگران در هر گوشه از عالم، در عین اجتناب و پرهیز از هرگونه دخالت در مسائل داخلی کشورهای دیگر و ایجاد رابطه صلح‌آمیز با کشورهای غیر محارب
 ۴. تقویت کامل بنیه و توان دفاعی، در راستای حفظ استقلال و تمامیت ارضی در جمهوری اسلامی ایران
- درواقع آرمان‌ها و اصول منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی و مسئولیت‌های فراملی تبیین شده در راستای سیاست خارجی در انقلاب اسلامی، میل به صدور پیام انقلاب و حمایت کامل از مستضعفان و مسلمانان در سراسر جهان و شکل‌دهی ایده‌ای نو در صحنه نظام بین‌الملل می‌باشد. (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۹۱) با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، انقلاب، محور تفکر و اندیشه مسلمانان در راستای اتحاد و وحدت قرار گرفت. مسلمانان جهان به غلت پراکندگی و اختلاف‌هایی که بین آن‌ها وجود داشت از مداخله در سیاست‌های جهانی و سرنوشت خویش به‌صورت کامل حذف گردیده و هیچ حکومت و دولتی به‌عنوان افق آینده برای آن‌ها وجود نداشت. در چنین شرایطی بود که انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (رحمت‌الله علیه) به پیروزی رسید و به محور اندیشه‌های مسلمانان در راستای اتحاد و آینده جهان اسلام تبدیل گردید. انقلاب اسلامی ایران با الهام از هویت ایرانی - انقلابی و شیعی به دنبال آن است که با ایجاد اتحاد میان مسلمانان در منطقه غرب آسیا دست این دولت‌های سلطه‌جو و مستکبر را از این منطقه کوتاه نماید.

۸- اثرات هویت ایرانی و انقلابی بر سیاست خارجی ایران در جغرافیای منطقه غرب آسیا

۸-۱- هویت ایرانی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی گفتمان سنت‌گرایی ایدئولوژیک بر گفتمان تجددگرایی، پیشی گرفت. این گفتمان به‌ویژه با کثرت‌گرایی، ناسیونالیسم ایرانی و نیز جامعه مدنی سر جنگ داشته و در مقابل بر رهبری، انضباط اخلاقی، نخبه‌گرایی سیاسی، ارزش‌های سنتی و نیز کنترل فرهنگی تمرکز نموده است. تمام افت‌وخیزها در خط‌مشی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی بازتاب مرزهای نامشخص در میان عناصر ایرانی، اسلامی و مدرن در هویت فرهنگی ایرانیان می‌باشد. بعد از پیروزی انقلاب در ایران و مستقر شدن نظام مقدس جمهوری اسلامی؛ فرهنگ و هویت نخبگان حاکم در آن عصر بر کل جامعه تأثیر گذاشت. (طاهری، کریمی فرد، ۱۳۹۱: ۱۲۵)

باتوجه به مطالب بیان‌شده سازوکارهای اصلی مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به‌صورت تأثیر بر ذهن تصمیم‌گیران مطرح نمود. از طرفی دیگر تأثیر هویت بر سیاست خارجی به دو شکل خود را نشان می‌دهد: یکی از راه تأثیرگذاری بر الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران و دیگری تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های هویت اسلامی بر سیاست خارجی. عنصر اصلی تشکیل‌دهنده ساختار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، همان آرمان و اهداف رهبری ستم‌دیدگان مسلمان در سطح منطقه و بین‌الملل علیه قدرت‌های مستکبر و زورگوی غربی می‌باشد. (تاجیک، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۲)

۸-۲- هویت انقلابی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیش از هر چیز نتیجه برآمده از انقلاب اسلامی بوده که به آن هویت و جهت‌دهی خاصی بخشیده است. سیاست خارجی ایران آمیزه‌ای از مفاهیمی شامل آرمان‌ها، ارزش‌ها، اصول، اهداف و تعریف خاصی از کشور و منافع و امنیت ملی، استقلال و آزادی، جهت‌گیری سیاست خارجی و... از یک طرف و واقعیات عینی شامل تحولات عملی عرصه سیاسی و بین‌المللی از طرف دیگر می‌باشد. سیاست حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی، نظام‌های حاکم بر جهان را غیرعادلانه تعبیر و تفسیر نموده و به دنبال ایجاد گفت‌وگو و مناسبات جدید قدرت می‌باشد و در این کار مانند انقلاب‌های دیگر در اعصار مختلف تاریخ، برای خود مأموریت و رسالتی جهانی و همچنین مقدس قائل می‌باشد. (تاجیک، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۲)

۸-۳- اصول و مبانی حاکم بر سیاست خارجه در جمهوری اسلامی

در نظام جمهوری اسلامی قانون اساسی، یکی از معتبرترین سندها و غنی‌ترین منبع سیاست خارجی می‌باشد. مجموعه اصول و مبانی حاکم بر سیاست خارجه بر طبق قانون اساسی را می‌توان در موارد زیر بیان نمود: سعادت انسان‌ها در کل جوامع بشری، استقلال کشور، استکبارستیزی، عدالت‌خواهی، مبارزه با نظام سلطه در جهان، پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه مستضعفین، تعهد برادرانه در قبال جمیع مسلمانان، همبستگی و اتحاد ملت‌های مسلمان و اتحاد جهان اسلام و همچنین دفاع از حقوق همه مسلمانان در سطح جهان، نفی هرگونه زورگویی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، عدم تعهد در مقابل قدرت‌های سلطه‌گر، نفی کامل استعمارگران و جلوگیری از نفوذ اجانب، حفظ تمامیت ارضی، نفی و دوری از معاهدات و پیمان‌نامه‌هایی که موجب سلطه‌گری بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصاد کشور، فرهنگ و نیروهای نظامی می‌گردد. روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیر محارب، صداقت و وفای به عهد در معاهدات و تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی. (مجله حصون، ۱۳۸۵، شماره ۱۰)

باتوجه به کلیات بیان‌شده در قانون اساسی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با الهام از هویت شیعی به‌عنوان کشوری با ساختار اسلامی، شعاع عملکردی روشن و عقلانی داشته که مرزهای آن را اصول و موازین اعتقادی و مکتبی اسلام ناب محمدی (ص) تعیین می‌نماید. یکی از اصول اساسی «نه شرقی، نه غربی» به‌عنوان یکی از مبانی حاکم بر سیاست خارجی کشورمان در ترسیم این مرزها نقش بسیار مهمی بر عهده دارد. سیاست و اصل «نه شرقی، نه غربی» به‌عنوان یکی از اصول اعتقادی، معیار روشنی به دست می‌دهد که براین اساس، رفتار و اطلاعات و ارزیابی‌های دستگاه دیپلماسی در کشور ایران و سایر وزارتخانه‌ها مورد ارزشیابی و داوری قرار می‌گیرد. (پایگاه اینترنتی منابع اسلامی، ۱۳۹۱)

سیاست خارجی ایران با الهام از هویت شیعی در تلاش است از حقوق به‌حق مردم مظلوم جهان دفاع و به هر شیوه ممکن آنان را یاری رساند. در همین زمینه، در تلاش است با برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌ها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص موضوعات مطرح در سطح منطقه غرب آسیا و نظام بین‌الملل، اجماعی در بین نخبگان داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای دفاع از حقوق به‌حق مردم ایجاد نماید.

مقام معظم رهبری بر این باور می‌باشند که: در پهنه جهان اسلام، مسئله بیداری اسلامی، فروریختن وحشت و ترس ملت‌ها از قدرت‌های به‌اصطلاح بزرگ و احساس هویت مردم مسلمان در اقصی نقاط جهان از آثار گران‌بهای انقلاب اسلامی در ایران و پایداری ملت بزرگ و قهرمان ایران است. (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۸۳/۵/۲۵)

ایشان یکی دیگر از اصول و اهداف سیاست خارجی را معرفی چهره اعتراض و سازش‌ناپذیری انقلاب اسلامی نسبت به استعمارگران و زورگویان و همچنین نظام سلطه در سطح جهان دانسته و تأکید فرمودند: آن نظامی که به نام دین مبین اسلام و به نام قرآن مطرح می‌باشد، ولی در مقابل دشمنان خداوند متعال تسلیم می‌شود، دیگر جمهوری اسلامی نیست، جمهوری اسلامی از نوع آمریکایی است. (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۳۱ / ۴ / ۶۸) در واقع می‌توان این‌گونه

بیان نمود که اهداف و اصول سیاست خارجه تأمین‌کننده منافع ملی کشور بزرگ ایران بوده و در راستای تثبیت حاکمیت ملی در سطح نظام بین‌الملل می‌باشد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر سه پایه اصلی:

۱: استقلال و حفظ تمامیت ارضی

۲: استکبارستیزی

۳: برپایی یک دولت شیعی استوار است.

باتوجه به اندیشه‌های رهبر کبیر انقلاب، ذات و خمیرمایه سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران، به‌وضوح نشان‌دهنده چهره اسلامی سیاست خارجه پویا و مبارزه‌جویانه بوده که آرمان و مقصود نهایی آن اتحاد در دنیای اسلام و بست و گسترش حاکمیت پروردگار عالم بر روی کره خاکی می‌باشد. اصول و اهداف اساسی که از طریق اصل نه شرقی نه غربی، همچنان در جستجوی ایجاد و پیاده نمودن آرمان‌ها، اهداف و آمال دورودرزی است که جامعه انقلابی و اسلام‌خواه به این اصول و اهداف، اعتقادی راسخ و عمل‌گرایانه داشته‌اند. این اصل که در مقابل اصول حاکم بر نظام بین‌الملل، پدیده‌ای جدید و کاملاً متفاوت به شمار می‌آید، حتی با اصل موازنه منفی و موازنه مثبت که اصل و اساس تاریخ سیاست خارجی ایران را تشکیل می‌دهد، متفاوت و متمایز است. (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۴۷)

مقام معظم رهبری در بیان دیگری می‌فرماید: جهان اسلام با دارابودن یک‌پنجم جمعیت در سطح دنیا و حضور در یکی از مناطق مهم، استراتژیک و حساس در سطح جهان و دارای میراث علمی و معنوی ژرف، کهن و عمیق، فی‌نفسه می‌تواند با جمع‌آوری ابزار، امکانات و توانایی خود مجموعه‌ای عظیم و مقتدر، ثروتمند و مستقل تشکیل داده و در مقابل قدرت‌های سلطه‌گر و اقتدارگر تمام‌قد بایستد. (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۶ / ۲ / ۸۴)

۸-۴- اولویت‌های سیاست خارجه در جمهوری اسلامی ایران

روابط دیپلماتیک، در حقیقت نقطه اوج روابط و پیوندهای صمیمی و عادلانه میان دو کشور و یا دو حکومت می‌باشد، چراکه دو کشور و حکومت مستقل و غیروابسته به یکدیگر، بعد از دست‌یافتن به یک درک متقابل، رفتار و کردار حسنه فی‌مابین، عدم دخالت در امور داخلی همدیگر و همچنین طرح‌ریزی و زمینه‌سازی توطئه در خاک سرزمینی هر یک از دو کشور بر علیه همدیگر، برقراری و استحکام روابط حسنه فی‌مابین دو کشور که منجر به صمیمیت و نزدیکی بین آن‌ها می‌شود، اقدام به برقراری روابط دیپلماتیک با همدیگر می‌نمایند. چهار گروه از کشورها برای جمهوری اسلامی ایران در صحنه نظام بین‌الملل به شکل ذیل دارای اولویت می‌باشند:

۱: همسایگان کشور ایران

۲: کشورهای مسلمان در صحنه نظام بین‌الملل

۳: کشورهای به‌اصطلاح جهان سوم

۴: کشورهایایی که به هر شکل یکی از نیازهای اصلی ایران از جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا نظامی را برطرف

نمایند. (ملکی، همشهری، ۱۴ / ۱۲ / ۸۲)

رهبر انقلاب با تأکید بر فرامین امام خمینی (ره) در خصوص برقراری روابط خارجه دوستانه و محبت‌آمیز با کلیه کشورهای مسلمان و همسایه در منطقه غرب آسیا فرمودند: درسیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کشورهای همسایه و مستقر در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی نقش برجسته و ویژه‌ای دارند. کشورهایی که درواقع با ایران روابط حسنه و صمیمانه‌ای داشته و یا آماده بودند به طور مستقل و جدا از تصمیم‌گیری‌های سایر دولت‌ها و قدرت‌های متخاصم در سطح نظام بین‌الملل با کشور ایران روابط دوستانه برقرار نموده و تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند، نقش ویژه‌ای داشته‌اند. (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۶ / ۱۱ / ۶۴) در سیاست خارجی جمهوری اسلامی همواره تلاش مسئولان و مجریان در وزارت خارجه بر

ایجاد آرامش و فراهم نمودن امکان صلح و زندگی و نیز هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در سطح منطقه بوده است و جهت‌گیری کلی سیاست خارجه در نظام به‌سوی گسترش و تقویت روابط بدون تنش و ناآرامی با کشورهای اسلامی و دولت‌های غیر محارب می‌باشد. (مجله حصون ۱۳۸۵، شماره ۱۰)

۸-۵- عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران در صحنه نظام بین‌الملل

سیاست خارجی حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی تحت تأثیر عوامل دگرگونی‌ها و متغیرهایی در سطوح مختلف شامل فردی، خارجی و داخلی می‌باشد. دگرگونی‌های اجتماعی و ملی مؤثر بر سیاست خارجه در ایران را می‌توان در چارچوب عوامل و عناصر تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی تقسیم‌بندی و دسته‌بندی و پس از آن مورد تحلیل و بررسی قرارداد.

علی‌رغم تغییر در سیاست خارجی ایران در صحنه بین‌المللی متأثر از تغییر و تحول در سطح منطقه و نظام بین‌الملل، این بخش از عناصر و ویژگی‌های ملی در جمهوری اسلامی ایران، منجر به تداوم و استمرار آن می‌گردد.

بنابراین برخلاف تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها از برخی عوامل اثرگذار و تعیین‌کننده سیاست خارجه عوامل فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی نیز نقش بسیار مهمی ایفا نموده‌اند. رفتار و عملکرد بازیگران و کارگزاران در صحنه سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران به‌خوبی نشان داده است که جداسازی بین سیاست داخلی کشور و سیاست اتخاذشده در سطح خارجی و نظام بین‌الملل حداقل در خصوص این کشور آن‌قدر واقع‌بینانه نبوده است؛ زیرا تعامل و هم‌زیستی و پیوندی استوار و محکم در بین عوامل و تحولات داخلی ایران و رفتار اتخاذشده در سطح نظام بین‌الملل وجود دارد. به‌ویژه اینکه، هویت شیعی و ماهیت برگرفته از دین مبین اسلام و نظام باورهای جمعی، اعتقادی و ارزشی حاکم بر جامعه در جمهوری اسلامی عاملی بسیار مهم، ویژه و اثرگذاری در تعیین و تدوین سیاست خارجی در ایران به شمار می‌آید. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۵۰)

در آغاز پیدایش انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجه برخی دگرگونی‌های محیطی به تدریج موجب شد تا دولت اسلامی در ایران به اهمیت ویژه و تأثیرگذار این وظایف پی برده که باید میان منطق ملی و فراملی در واقع نوعی موازنه برقرار نماید. اما در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب علی‌الخصوص سال‌های بعد از رحلت امام (ره)، به تدریج در برخی مقاطع شاهد اولویت و ارجحیت دادن به منطق ملی بر فراملی بوده‌ایم. این مسئله به‌ویژه به علت فشارهایی بوده است که محیط عمدتاً بین‌المللی چه از منظر منطقه‌ای و چه از منظر جهانی بر ایران وارد ساخته و جهت‌گیری آن را تعیین نموده است. (اردم، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳)

۹- محدودده عملیاتی در سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران با الهام از هویت شیعی در منطقه غرب آسیا

سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران، برای اجرای اهداف و اولویت‌های تعریف‌شده خود به یک محدوده عملیاتی نیازمند است که در دو بخش محیط پیرامونی و منطقه‌ای و محیط بین‌المللی تقسیم‌بندی شده است:

۹-۱- محیط پیرامونی و منطقه‌ای

تعریف نقش برای بازیگری جمهوری اسلامی ایران در چارچوب ایده «ایران پل منطقه‌ای» می‌تواند به بهترین شکل منافع ملی را در راستای کلیات سیاست خارجه و همچنین سند چشم‌انداز و دیگر قوانین تدوین‌شده در قانون اساسی و اسناد بالادستی تأمین نماید. اندیشه پل منطقه‌ای نگاهی راهبردی در سیاست خارجه در کشور ایران بوده که در راستای اتصال جغرافیای کشور به ظرفیت‌های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئو اکونومی و ژئوکالچر خصوصاً در محیط پیرامونی و منطقه غرب آسیا می‌باشد. هدف از اتخاذ این سیاست ارتقای جایگاه ویژه ایران در سطح منطقه و تبدیل آن به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای در کوتاه‌مدت و یک قدرت بزرگ جهانی در بلندمدت می‌باشد. پیگیری این سیاست با افزایش حوزه نفوذ و گره‌زدن امنیت ایران به امنیت

مناطق پیرامونی توان بازدارندگی کشور را در صحنه‌های سیاسی، اقتصادی، دفاعی و اجتماعی بسیار بالا می‌برد؛ لذا کشور بزرگ ایران محیط استراتژیک حساس و مهمی داشته که می‌بایست با تصمیم‌سازی منطقی نهایت بهره را از آن برد. نقشی که هم با واقعیت جغرافیایی کشورمان متناسب باشد و هم فرصت‌ها را به حداکثر و تهدیدات را به حداقل برساند. تبدیل ایران به عنوان اصلی‌ترین بازیگر در معادلات منطقه‌ای دور از دسترس نیست. کشوری که می‌تواند در اختلافات بی‌شمار بین کشورهای موجود در پیرامون خود نقش میانجیگری را ایفا کند و با تبدیل ایران به یک قطب منطقه‌ای دوره جدیدی از شکوه و درخشش ایران را رقم بزند. (پارسایی، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۲)

در محیط پیرامونی منطقه غرب آسیا، ایران به هنگام عملی ساختن اصول خود که برگرفته از همان هویت شیعی حاکم بر سیاست خارجی می‌باشد باید به تأثیر عوامل و رعایت ملاحظات زیر عمل نماید:

- ۱: جایگاه بازیگری ایران منطقه‌ای بوده و می‌بایست سعی نماید در ایجاد ترتیبات پایدار منطقه‌ای تلاش نماید.
- ۲: همکاری در منطقه غرب آسیا و نظام بین‌الملل را می‌بایست از موضوعات ابتدایی و پائین‌تر که اختلاف در مورد آنان کمتر می‌باشد آغاز نمود تا به موارد عمیق‌تر دست یابد.
- ۳: جهت فراهم نمودن الگوی اجماع بر سر مسائل منطقه‌ای و برای اعتمادسازی تلاش نماید.
- ۴: مسائل منطقه‌ای فرمول یکسانی ندارند و می‌بایست برای هر یک فرمول جداگانه‌ای تنظیم نماید.
- ۵: یکی دیگر از این ملاحظات، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک دولت ملت‌ها در نظام‌های سیاسی و حفظ عمق استراتژیک در مقابل با محیط پیرامونی می‌باشد.
- ۶: تأثیرگذاری بر روند پیرامونی در نظام‌های سیاسی و کنترل وقایعی که در چارچوب امنیت و منافع ملی در محیط بیرونی در حال وقوع است و محور قرار دادن عنصر منافع و امنیت در معادلات گوناگون
- ۷: پیگیری سیاست تنش‌زدایی در روابط، مبتنی بر تعامل با همسایگان و فراهم نمودن سیستم همکاری دسته‌جمعی
- ۸: ایجاد اعتماد و نیز حسن نیت در میان کشورهای سیاسی در منطقه و در عین حفظ موازنه و آمادگی و همچنین توانایی مدیریت بحران‌ها برای کنترل و حل و فصل و مدیریت بحران‌های بین‌الملل
- ۹: تلاش برای هم‌گرایی و هم‌افزایی میان کشورهای منطقه بر مبنای اصول تأمین منافع مشترک و افزایش قابلیت‌های فرصت‌سازی و تبدیل تهدیدات بیرونی به فرصت‌ها (اردب، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳)

۹-۲- محیط بین‌المللی

اگر کشوری بخواهد در دنیای کنونی قدرتمند باشد و در صحنه نظام بین‌الملل به حساب آید ناچار از داشتن سه مؤلفه اصلی قدرت خواهد بود. این سه بازوی قدرت، دیپلماسی قوی، صنعت و فن‌آوری قوی و نیروی نظامی نیرومند است.

مؤلفه اول داشتن دیپلماسی قوی می‌باشد، هم در جنگ و هم در زمان صلح، زیرا اساساً هر جنگی که بر پایه یک پروژه سیاسی نباشد، جز ماجراجویی نمی‌تواند معنا داشته باشد و در جنگ، سفیران برجسته و ممتاز کم‌ارزش‌تر از فرماندهان عملیاتی تلقی نمی‌شوند و وزارت خارجه به‌مانند اتاق فرمان دیگری دور از جبهه نقش‌آفرینی نموده و تشدید و کند کردن عملیات نظامی با هماهنگی و همراهی دیپلمات‌ها معنا پیدا می‌کند. کشوری که دارای دیپلماسی قوی باشد، از روابط قدرت جهانی و منطقه‌ای ارزیابی درست دارد و به‌قول معروف با حساب و کتاب بر جایگاه بزرگان تکیه می‌زند و پای قدرتمندی‌اش را به‌اندازه گلیم قدرت خود دراز می‌نماید و در نهایت با داشتن یک دیپلماسی قوی است که کشورها می‌توانند از امکانات بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی بهره گیرند.

مؤلفه دوم قدرت یک کشور، توانمندی صنعتی و تکنولوژیکی آن می‌باشد به‌گونه‌ای که در شاخه‌های گوناگون صنعت و تحقیقات در عرصه جهانی دارای حرف تازه و در صنایع استراتژیک خودکفا باشد. برای مثال شش قدرت جهانی وقتی تن به مذاکره با ما دادند که دانشمندان هسته‌ای ما توانستند سد غنی‌سازی ۲۰ در صد را از میان برداشته و مهندسان ما توانستند با

موشک‌های خود از جو زمین عبور نمایند. وقتی کشوری دارای بنیه علمی بالقوه بود می‌تواند این توانایی را فعلیت بخشیده و نیازهای ضروری خود را تولید کند.

مؤلفه سوم قدرت، نیروی توانمند نظامی مجهز به فناوری پیشرفته به‌روز و نیروی انسانی آموزش‌دیده است. در کنار توصیه‌های دینی و توجه به واقعیت‌های پیرامونی برای جمهوری اسلامی ایران که هشت سال درگیر جنگ تحمیلی بوده است، نیازی به استدلال نیست که بدانیم اگر نیروهای مسلح توانمند نداشتیم نه تنها از جنگ تحمیلی سرفراز بیرون نمی‌آمدیم، بلکه کشورمان نیز به‌صورت یکپارچه امروزی وجود خارجی نداشت و باز اگر امروز می‌بینیم که از سناتورهای آمریکایی گرفته تا محافظه‌کاران عرب منطقه غرب آسیا به دنبال ایران‌هراسی هستند یکی از علت‌هایش قدرت نیروهای مسلح ماست که تضمین‌کننده عزت و سرافرازی کشوری باشند. (شجاعیان، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۵) واقعیت‌های سیاسی و جغرافیای کشور ایران به‌گونه‌ای است که به ما امکان تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای در غرب آسیا را می‌دهد و مرزهای آبی ما در دریای خزر، دریای عمان و خلیج فارس و قرار گرفتن کشور در منطقه برخورد دو قاره آسیا و اروپا، به یک ایران مقتدر امکان حضور و مشارکت در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های جهانی را خواهد داد.

شیرین هانتر استاد ایرانی آمریکایی در دانشگاه جورج تاون آمریکا در کتاب «اسلام و غرب» این‌گونه بیان می‌کند که: چهار عامل وجود دارد که به ناپایداری و نوسان در سیاست خارجه در ایران کمک کرده است:

۱: غلبه سنت‌گرایی نوین در ساختار سیاسی در کشور ایران و نقش‌آفرینی سنت‌گرایی در حوزه سیاست خارجه

۲: ارزیابی‌های ایدئولوژیکی و نیز غیرواقع‌گرایانه از قدرت و قابلیت ایران

۳: واکنش کشورهای دیگر در صحنه نظام بین‌الملل نسبت به مبارزه‌طلبی انقلابی مردم ایران

۴: تجدیدنظر در یکی از اصول مهم یعنی چشم‌انداز عقیدتی در ایران (هانتر، ۱۳۸۰: ۲۳۰-۲۲۰)

انقلاب اسلامی ایران به دنبال ایجاد تغییر ویژه و تحولی بزرگ در کشورهای به‌اصطلاح در حال توسعه و نیز دنیای اسلام و کمک به تمامی جریان‌های انقلابی شکل گرفته در جهان سوم می‌باشد. هرچند تحولات شکل گرفته در ایران به‌صورت جدی مردم کشورهای منطقه غرب آسیا را تحت‌تأثیر قرار داده و برای مدت‌زمانی نشانه‌های بسیاری در ظهور خیزش و حرکت نهضت‌های اسلامی در جهت تحول سیاسی در کشورهای مسلمان پدیدار گشته است؛ اما حکومت‌های مستقر در منطقه غرب آسیا به‌خصوص در کشورهای مسلمان‌نشین منطقه در برابر موج عظیم تفکر انقلاب اسلامی اقدامات متقابلی نیز انجام داده و خواهند داد.

۱۰- بحث و نتیجه

درواقع می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که انقلاب شکل گرفته در سال ۱۳۵۷ در ایران اثرات شگرفی بر کشورهای مسلمان مستقر در منطقه غرب آسیا و برخی کشورها در سطح نظام بین‌الملل و به‌صورت ویژه شیعیان منطقه غرب آسیا داشته است. انقلاب اسلامی در ایران به علت جذابیتی که در شعارها، اهداف و اصول، راه و روش‌ها، محتوا و نتایج حرکت‌ها و سابقه اشتراکات دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و نیز بین‌المللی داشته، پدیده‌ای اثرگذار بر ژئوپلیتیک نوین شیعه بوده و برداشتی شیعی از انقلاب به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر باورها و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی مسلمانان در کشورهای منطقه غرب آسیا و نیز جهان داشته و ارائه الگویی منسجم از آن توانست به وحدت نسبی جهان اسلام منجر شده و از تفکرات افراطی و التقاطی خصوصاً تفکرات شکل گرفته در سال‌های اخیر که منجر به دامن زدن به اختلافات مذهبی در درون جهان اسلام شده است تا حدودی جلوگیری نماید. از عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌توان به اصل دعوت، تولی و تبری، تألیف قلوب یا همان پشتیبانی از مسلمانان و مستضعفان، پای بندی به پیمان‌نامه‌ها و عهدنامه‌ها و عرف بین‌الملل و اصول مندرج در قانون اساسی اشاره کرد که رویکرد ایران را در قبال سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تعیین و مناسبات دوجانبه و چندجانبه در چارچوب این قواعد شکل می‌گیرد.

بنابراین، انقلاب اسلامی و سیاست خارجی شکل گرفته در ایران با الهام از هویت شیعی منجر به بیداری و همبستگی میان شیعیان در غرب آسیا گردیده و نوعی آرمان و اهداف مشترک، منافع همگن و احساس توانمندی و تأثیر بر نظام بین‌الملل را به‌عنوان یک بازیگر مستقل و قدرت مهم منطقه‌ای به وجود آورده است. با وقوع انقلاب اسلامی ایران و تأثیرپذیری شیعیان منطقه از انقلاب و نفوذ آموزه‌های مذهب تشیع، منجر شد آزادی‌خواهان و بالاخص شیعیان منطقه غرب آسیا تحت تأثیر این آموزه‌ها قرار گیرند. در واقع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با الهام از هویت شیعی، جرقه‌الگوگیری و بیداری اسلامی را در بین شیعیان ایجاد نمود. بدین ترتیب انقلاب اسلامی باعث گردید، شیعیان در منطقه احساس نمایند که مجدداً می‌توانند گذشته پرشکوه خویش را احیاء نمایند. وقوع انقلاب اسلامی سبب شد تا شیعیان در منطقه غرب آسیا به تدریج از انزوای ژئوپلیتیکی خارج شده و با پیدایش خیزش‌های مردمی در جهان عرب معروف به بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱، مجدداً به احیاء و تجدید قدرت خود بپردازند. جمهوری اسلامی ایران توانست منجر به تقویت و بست و گسترش هویت و خودباوری، رشد و افزایش سطح فکری و بصیرت سیاسی و نیز گسترش فعالیت و نفوذ هرچه بیشتر شیعیان باهدف دستیابی به حقوق اجتماعی و سیاسی در قالب نهضت‌ها و جنبش‌ها و احزاب شیعی در برخی کشورهای غرب آسیا گردد. در این نوشتار تلاش شد تا با استفاده از نظریه سازه‌انگاری الکساندر ونت علل و عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با الهام از هویت شیعی در منطقه غرب آسیا مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- پوراحمدی، حسین، قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹، قم، بوستان کتا
- جهاننگلو، رامین، موج چهارم، ۱۳۸۱، تهران، انتشارات ن
- حاجیان، ابراهیم، تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، ۱۳۷۹، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره پنجم، پای
- دهشیری، محمدرضا، اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، بهمن ۱۳۸۲، شماره ۱
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، جلد دوم، انتشارات سمت، ۱۳۷
- داوری اردکانی، رضا، درباره غرب. تهران، ۱۳۷۹ انتشارات هرمس
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، مقاله ارزیابی مفهومی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۰
- رهبر، عباسعلی، نجات‌پور، مجید، یزدان‌پناه، محمد، ارزیابی نظریه ژئوپلیتیک شیعه، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵، شماره ۳۶
- زرشناس، شهریار، اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران، ۱۳۷۸، چ دوم، تهران، سازمان انتشارات کیهان
- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری مجله حصون زمستان ۱۳۸۵، شماره ۱۰
- سیمبر، رضا و دیگران، اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل، ۱۳۷۸، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
- سمیعی، علیرضا و فتحی، عبدالرضا، ۱۳۹۲، بررسی تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر جنبش بیداری اسلامی خاورمیانه (با تأکید بر رویکرد سازه‌انگاری)، مطالعات جهان اسلام، سال دوم، شماره یک
- شایگان، داریوش، افسون زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار، ۱۳۷۰، ترجمه فاطمه ولیانی. تهران، فرزانه روز
- طاهری، ابوالقاسم، کریمی فرد، حسین، هویت ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط بین‌الملل،

- کمالی اردکانی، علی‌اکبر، نگاهی تاریخی به سیر تحول مردم‌سالاری در اندیشه متفکران مسلمان، ۱۳۸۲، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۸، تابستان

- گلشن پژوه، محمودرضا، جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم، ۱۳۸۷، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی - دفتر گسترش تولید علم

- گردشی، حمیدرضا، مبانی فقهی مشروعیت سیاسی در اندیشه امام خمینی، ۱۳۸۱، چ دوم، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.

- ملکی، عباس، قانون اساسی و سیاست خارجی، ج ۱۰، همشهری، ۱۴ / ۱۲ / ۸۲

- محمدی، یدالله، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی: تقابل و رویارویی دو چهره قدرت (نرم‌افزاری و سخت‌افزاری)، دی ۱۳۷۹، مصباح، ش ۳۶

- مجتهد زاده، پیروز، روحیه عدالت‌خواهی و جایگاه آن در هویت ملی ایرانیان، ۱۳۸۳، تهران، مؤسسه مطالعات ملی

- موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ۱۳۷۰، جلد ۱۶، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- محمدی، علی‌اصغر، رشد اسلام‌گرایی: تاثیر انقلاب اسلامی بر تحولات خاورمیانه، همشهری، ۱۳۸۵، کد خبر ۱۵۳۲۱

منابع لاتین ترجمه‌شده

اسپوزیتو، جان، ۱۳۸۲، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران

هانتر، شیرین، (۱۳۸۰)، اسلام و غرب، مترجم همایون مجد، تهران: انتشارات فرزانه

منابع اینترنتی

- اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پایگاه اینترنتی منابع اسلام، سال ۱۳۹۱، <http://www.fa.islamic-sources.com>

- اردم، نیلوفر، مؤلفه‌های راهبردی در تدوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳، سایت <http://www.irdiplomacy.ir>

- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۹۱، <http://dolat.ir/detail/223726> - کد خبر: ۲۲۳۷۲۶

- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، نظریه انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷، شماره ۲۶ <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/130/4357/28848>

- پارسایی، سید مهدی، طرحی برای سیاست خارجی ایران بازیگری در قالب پل منطقه‌ای، ۱۳۹۲، سایت دیپلماسی ایرانی <http://www.irdiplomacy.ir>

- تاجیک، نصرالله، سیاست خارجی، انقلاب و پس‌لرزه‌هایش، سلیت دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۲، کد ۱۹۲۸۴۴۶، <http://www.irdiplomacy.ir>

- سخنرانی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، منبع سایت <http://farsi.khamenei.ir>

- شجاعیان، محمدرضا، بازتعریف سیاست خارجی در نظام بین‌الملل با «قدرت دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران» ، ۱۳۹۵، سایت باشگاه خبرنگاران جوان (www.yjc.ir)